



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون

تاریخ: ۱۸ دی ۱۴۰۲

موضوع جزئی: مقدمه سوم: تأسیس اصل در عمل به امارات ظنیه - کلام محقق عراقی مصادف با: ۲۵ جمادی الثانی ۱۴۴۵

در اشکال به محقق خراسانی - بررسی کلام محقق عراقی - تمسک به استصحاب عدم

حجیت برای اثبات اصل اولی - اشکال شیخ انصاری به استصحاب عدم حجیت

جلسه: ۶۰

سال پانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در این بود که اصل درباره عمل به امارات ظنیه چیست؟ شیخ انصاری فرمودند اصل عدم جواز عمل یا عدم حجیت امارات غیر علمیه است. چند دلیل بر مدعای خودشان نیز از کتاب و سنت و اجماع و عقل اقامه کردند. محقق خراسانی به این ادله و نتیجه‌ای که شیخ انصاری از این ادله گرفتند اشکال کردند. محقق نایینی نیز به اشکال محقق خراسانی پرداخت و آن‌ها را رد کرد. نتیجه کلی بحث تا اینجا این شد که اشکالات محقق نایینی به محقق خراسانی وارد نیست اما در عین حال آنچه محقق خراسانی در اشکال به شیخ انصاری گفتند نیز تمام نیست. ما اشکال کلام محقق خراسانی را قبلاً بیان کردیم. از اینجا باید معلوم شود که مدعای شیخ انصاری آیا تمام است یا خیر؟ ما هم به محقق نایینی اشکال کردیم که اشکالات شما به محقق خراسانی وارد نیست و هم به خود محقق خراسانی اشکال کردیم که اشکالات شما به شیخ انصاری وارد نیست ولی اصل سخن شیخ و استفاده‌ای که از ادله اربعه کردند آیا تمام است یا خیر؟ آیا می‌توانیم با استناد به آیاتی مثل «قُلْ أَللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ» یا آن روایتی که در مورد قضاات وارد شده بود یا اجماع و عقل بگوییم امارات غیر علمیه معتبر نیستند؟

به نظر می‌رسد فرمایش شیخ انصاری نا تمام است. اما چرا؟ عمده این است که ایشان یک ادعای بدون دلیل کرده است که در جمع بندی نهایی عرض خواهم کرد.

کلام محقق عراقی در اشکال به شیخ انصاری

محقق عراقی نیز به شیخ انصاری اشکال کرده است. ایشان دو نقض به شیخ انصاری وارد کردند.

نقض اول: برای رجوع به اصول عملیه در شبهات حکمیه یک شرطی وجود دارد. فحص و یأس از دلیل. یعنی وقتی انسان با شبهه حکمیه مواجه می‌شود بدون فحص و جستجو از دلیل و مایوس شدن از یافتن دلیل نمی‌تواند سراغ اصل عملی برود. مثلاً ما شک داریم که شرب تنن حرام است یا خیر؟ باید جستجو کنیم از ادله در مظان خودش. اگر دلیلی پیدا کردیم به مفاد دلیل اخذ می‌کنیم، اگر دلیلی پیدا نکردیم به اصل برائت رجوع می‌کنیم. پس رجوع به اصل عملی بعد الفحص و الیأس است. ما قبلاً از فحص نمی‌توانیم به اصول عملیه مراجعه کنیم. چرا؟ چون خود این شک برای ما حجت است. شک در حکم این عمل و فعل برای ما اعتبار دارد. یعنی اگر ما شک کنیم در حرمت شرب تنن، چنانچه شرب تنن در واقع و لوح محفوظ حرام باشد، حرمت واقعی در حق ما منجز

می‌شود، به صرف شک در حرمت، حرمت واقعی در حق ما تنجز پیدا می‌کند یعنی اگر کسی با این شک بدون فحص مرتکب شرب تنن شود مستحق عقاب است. زیرا حرمت واقعی با تحقق این شک منجز شده است. پس این شک برای ما حجت است اما با اینکه این شک حرمت واقعی را (بر فرض که باشد) برای ما منجز کرده، آیا می‌توانیم این حرمت را به خداوند اسناد دهیم و بگوییم خداوند حرام کرده است؟ قطعاً نمی‌توانیم. درست است که این شک حجت است و درست است که با این شک حرمت واقعی (لو فرض) منجز شده است ولی ما حق اسناد این حرمت را به خداوند نداریم. این حاکی از آن است که بین حجیت و جواز اسناد به شارع هیچ ملازمه‌ای نیست.^۱

شیخ انصاری در واقع به دنبال این بود که ثابت کند بین حجیت و جواز اسناد ملازمه وجود دارد. محقق عراقی می‌گوید ما یک جایی را برای شما ذکر می‌کنیم که حجیت وجود دارد ولی جواز اسناد نیست مثل این موردی که بیان شد.

نقض دوم: اخباریین در شبهات تحریمیه بدویه قائل به وجوب احتیاط شدند. می‌گویند هر جا ما شک کنیم در حرمت چیزی احتیاط جاری می‌شود نه برائت، بر خلاف اصولیین. بنابر مبنای اخباریین وجوب احتیاط حجت است، طبق نظر آنها، حجیت موجود است، اما آیا می‌توانیم حرمت مثلاً شرب تنن را (که شک ابتدایی در حرمتش داریم و وظیفه ما احتیاط بوده) بگوییم حرمتش از ناحیه خداوند است. یعنی بگوییم «حرم الله شرب التنن» «حرم الشارع شرب التنن»؟ نه نمی‌توانیم این کار را بکنیم و آن چیزی که می‌توانیم به شارع نسبت دهیم وجوب احتیاط است، اخباریین می‌گویند وجوب احتیاط را می‌توانیم به شارع نسبت دهیم، یعنی اجتناب از شرب تنن، ولی آیا می‌توانیم بگوییم حرمت شرب تنن حکم شارع است و به شارع نسبت دهیم. پس اینجا نیز بین حجیت و جواز اسناد ملازمه‌ای نیست.^۲

پس محقق عراقی دو نقض به شیخ انصاری وارد کردند. ببینیم این نقض‌ها به شیخ انصاری وارد است یا خیر؟

بررسی کلام محقق عراقی

به نظر می‌رسد هیچ یک از این دو نقض به شیخ انصاری وارد نیست.

بررسی نقض اول: درست است که به یک معنا شک قبل الفحص حجیت دارد، اما حجیت صفت به حالت متعلق موصوف است. یعنی در حقیقت علم اجمالی ما به وجود برخی تکالیف الزامی در شریعت ما را وادار می‌کند که فحص کنیم، جستجو کنیم و ببینیم آیا دلیل بر حرمت وجود دارد یا خیر؟ و شک قبل از فحص اجازه ارتکاب آن عمل را به ما نمی‌دهد. چرا؟ آیا اینجا متعلق حجیت خود این شک است یا آن علم اجمالی؟ اگر آن علم اجمالی به وجود تکالیف الزامی در شریعت نبود، اصلاً این شک برای ما ارزشی نداشت. چه قبل از فحص و چه بعد از فحص. چرا؟ چون احتمال تکلیف قبل از فحص حجت نیست. فرض کنید آن علم اجمالی نبود، ما همینطوری احتمال تکلیف دهیم. این حجیت ندارد. پس قبل از فحص اگر آن علم اجمالی نباشد این شک هیچ اعتباری ندارد، بله اگر آن علم اجمالی باشد این شک قبل از فحص حجیت دارد. پس این ربطی به شک ندارد که محقق عراقی اشکال می‌کند و نقض می‌کند سخن شیخ انصاری را به آن.

^۱ نه‌ایة الافکار، ج ۳، ص ۸۰.

^۲ نه‌ایة الافکار، ج ۳، ص ۸۱.

بررسی نقض دوم: ایشان فرمود آنچه متعلق حجت است ایجاب احتیاط است، ایجاب احتیاط حجت است ولی ما نمی‌توانیم حرمت را در فرض شک به شارع استناد دهیم.

مشکل این است که اینجا حجیت به ایجاب احتیاط متعلق نشده است بلکه آن چیزی که مانع از جریان قبح عقاب بلا بیان است همین ایجاب احتیاط است. زیرا اگر شارع احتیاط را واجب نکند قبح عقاب بلا بیان اقتضا می‌کند ارتکاب هیچ مشکلی نداشته باشد. این در واقع مؤمن است و جلوی عقاب را می‌گیرد. پس اینجا نیز در واقع آنچه حجیت دارد، علم اجمالی است، نه ایجاب احتیاط. دقیقاً مثل نقض اول.

هر دو موردی که به سبب آن منتقض دانسته اند کلام شیخ انصاری را به علم اجمالی بر می‌گردد. همان که ما قبلاً در اشکال به محقق خراسانی عرض کردیم و گفتیم اصلاً مسئله، مسئله علم اجمالی است و خود عقل اگر حکمی دارد در آن فرض حجیت پیدا می‌کند. پس مدار بر علم اجمالی است و آن چیزی که حجیت دارد علم اجمالی است.

بررسی کلام شیخ انصاری

تا اینجا ملاحظه کردید که اشکالات محقق خراسانی و محقق عراقی به شیخ انصاری وارد نیست. حال آیا معنای سخن این است که فرمایش شیخ انصاری تمام است و استدلال ایشان درست است و اینکه ایشان به ادله اربعه تمسک کرد برای اثبات اصل عدم حجیت و اعتبار امارات غیر علمیه یا خیر؟ اشکال اساسی که به شیخ انصاری وارد است این است که ایشان بر مدعای خود هیچ دلیلی را بیان نکرده است.

امام خمینی نیز می‌گویند این که شیخ انصاری می‌فرماید بین حجیت و جواز اسناد الی الشارع ملازمه وجود دارد این یک ادعای بدون دلیل است و هیچ دلیلی برایش ذکر نکردند و پس شیخ انصاری فقط گفتند این ادله اثبات می‌کند که اثبات ما لم یعلم صدوره من الشارع بالشارع جایز نیست و خواسته نتیجه بگیرد امارات غیر علمیه حجیت ندارند. یعنی یک ملازمه‌ای بین عدم جواز اسناد و عدم حجیت.

اشکال این است که این یک ادعایی است بدون دلیل. نقض هایی که محقق خراسانی و محقق عراقی به شیخ انصاری وارد کردند نیز درست نیست ولی ایشان نیز دلیلی بر ملازمه ندارد. شیخ انصاری که مدعی هست باید دلیل بیاورد، ادعای ملازمه نیازمند دلیل است نه ادعای عدم ملازمه.

لذا به نظر می‌رسد مجموعاً دلیل شیخ انصاری بر عدم اعتبار امارات غیر علمی در فرض شک، تمام نیست.

تمسک به استصحاب عدم حجیت برای اثبات اصل اولی

شیخ انصاری در ادامه دلیل دومی نیز برای مدعای خودش ذکر کرده است. مدعای شیخ انصاری عدم حجیت و اعتبار امارات غیر علمی در فرض شک است. یعنی اصل این است که اماره غیر علمی حجت نباشد مگر اینکه دلیل خاصی داشته باشیم.

ایشان می‌گویند ما از راه استصحاب عدم حجیت این را اثبات می‌کنیم. توضیح ذلک:

حجیت یک امر حادث و مجعول و جدید است، امری است که از اول وجود نداشته است و لذا باید توسط شارع یا هر معتبری که صلاحیت اعتبار بخشی دارد معتبر شود. مثلاً اگر قیاس بخواهد حجت باشد یا ظواهر بخواهد حجت باشد شارع باید یا تأسیس و یا امضائاً آنها را به رسمیت بشناسد، حجت بداند، تأسیس یا امضایی نسبت به آن امارات داشته باشد.

حال که ما شک داریم در حجیت، شک داریم آیا این امارات غیر علمی حجیت هستند یا نیستند، می‌گوییم قبلا که حجت نبودند الان شک می‌کنیم که حجیت هستند یا خیر؟ استصحاب عدم حجیت می‌کنیم. استصحاب عدم حجیت یعنی هر جا ما شک در حجیت داشته باشیم اصل عدم حجیت است.

اشکال شیخ انصاری به استصحاب عدم حجیت

خود شیخ انصاری به این راه حل اشکال می‌کنند. ایشان می‌گویند استصحاب عدم حجیت در واقع همان استصحاب عدم حادث است زیرا حجیت یک امر حادث است و اگر ما شک در حدوث یک حادثی داشته باشیم استصحاب عدم حادث می‌کنیم. منتهی استصحاب عدم حادث در جایی جریان پیدا می‌کند که یک اثر شرعی بر عدم حدوث واقعی مترتب شود. و الا اگر اثر شرعی در کار نباشد، استصحاب معنا ندارد. یعنی باید به نحوی باشد که عدم حدوث موضوع برای یک اثر شرعی باشد و اگر اینچنین باشد با استصحاب عدم حدوث موضوع آن اثر شرعی منتفی می‌شود و لذا خود اثر شرعی نیز منتفی می‌شود. مثل اینکه یک مایعی حالت سابقه عدم خمریت دارد، قبلا خمر نبوده مثلا سرکه بوده و ما الان در تبدیل عنوان شک داریم؛ می‌گوییم آیا الان خمر شده یا نه؟ استصحاب عدم خمریت را جاری می‌کنیم. لذا آثار شرعی آن نیز بار می‌شود، وقتی این خمر نباشد حلال است، نجس نیست، شرب آن مشکلی ندارد.

اما در برخی موارد، اثر بر خود شک در حدوث مترتب می‌شود نه بر عدم حدوث. ما دو نوع اثر داریم: ۱. گاهی اثر بر عدم الحدوث مترتب می‌شود مثل مثالی که زدیم. ۲. گاهی اثر بر شک در حدوث مترتب می‌شود.

اگر خود شک در حدوث موضوع یک اثر شرعی شد اینجا دیگر جای استصحاب نیست. ما استصحاب عدم حدوث را در جایی می‌توانیم جاری که کنیم که اثر بر عدم الحدوث مترتب شود. یعنی قبلا این حادث نبوده و الان شک می‌کنیم که حادث است یا خیر؟ استصحاب عدم حدوث می‌کنیم. در مثال خمر عدم حدوث خمر خودش موضوع برای یک سری آثار شرعی است. ولی اگر جایی اثر بر شک در حدوث مترتب شود، همین که ما شک داریم این حادث شده است یا خیر؟ این خودش دارای اثر شرعی باشد. اینجا دیگر کسی قائل به جریان استصحاب نیست.

شیخ انصاری سپس می‌گوید اینجا به مقتضای ادله اربعه معلوم شد که اسناد بغیر علم به خداوند حرام است. اسناد ما لا یعلم من الشارع الی الشارع جایز نیست. لازمه حرمت و عدم جواز اسناد عدم حجیت است. پس دیگر جایی برای استصحاب عدم حجیت نیست. یعنی در واقع حکم عدم حجیت روی خود شک بار شده است و تنظیر می‌کند این را به قاعده اشتغال؛ می‌گویند فرض کنید اگر کسی قبل از غروب آفتاب شک کند که آیا نماز ظهر و عصر را خوانده، اینجا استصحاب عدم اتیان به نماز ظهر و عصر جاری نمی‌شود زیرا قبل از اینکه بخواهیم استصحاب عدم اتیان نماز ظهر و عصر را جاری کنیم خود قاعده اشتغال تکلیف ما را معلوم کرده است. ما یک تکلیفی از قبل به عهده داشتیم و ذمه ما یقینا مشغول بوده و الان شک می‌کنیم فارغ شده است یا خیر؟ اشتغال یقینی مستدعی فراغ یقینی است و لذا قاعده اشتغال می‌گوید باید نماز را بخوانی و وقت هم که هنوز باقی است.

پس در جایی که حکم روی خود شک بار شده و احتیاجی به یقین سابق نیست دیگر مجالی برای جریان استصحاب وجود ندارد. اصلاً استصحاب را جاری می‌کردیم که از یقین سابق کمک بگیریم تا تکلیفمان را الان بدانیم. وقتی حکم روی شک رفته و تکلیف هم معلوم است دیگر مجالی برای استصحاب نیست.^۱

پس شیخ انصاری با استصحاب عدم حجیت برای اثبات اصل اولی در باب امارات غیر علمیه موافق نیست.

بحث جلسه آینده

محقق خراسانی اینجا به این دلیل شیخ انصاری اشکال کرده است که باید بررسی کنیم که آیا این اشکال وارد است یا خیر؟

«والحمد لله رب العالمین»

^۱ فرائد الاصول، ج ۱، ص ۵۰.